

« نامه ماهانه ادبی ، علمی ، تاریخی ، اجتماعی »

شماره - دهم  
دی ماه ۱۳۳۸

# آرامگاه

دوره - بیست و هشتم  
شماره - ۱۰

تاسیس بهمن ماه - ۱۳۹۸ شمسی

( مؤسس : مرحوم وحید دستگردی )  
( صاحب امتیاز و نگارنده : وحید زاده - نسیم دستگردی )

بقلم : آقای ابراهیم صفائی

## آرامگاه باباطاهر و عین القضاة

از سه سال پیش ، یعنی تابستان ۱۳۳۵ ، که وضعیت اسف آور آرامگاه باباطاهر را در همدان ملاحظه نمودم برای تعمیر و تکمیل آرامگاه بمقامات مسئول مراجعه و مکاتبه و موضوع را در روزنامه « کیهان » و « اطلاعات » و بخصوص « مجله ارمغان » تعقیب کردم و در کتاب « یادداشتهای سفر همدان » نیز بتفصیل در این باره سخن راندم ، با ادارات مسئول همدان بمکاتبه پرداختم و سه سفر دیگر در تابستان ۳۶ و ۳۷ و ۱۳۳۸ ( امسال ) برای بثمر رسانیدن این فکر بهمدان مسافرت کردم ، بوزارت فرهنگ و اداره کل اوقاف و شهرداری همدان یکدانگ موقوفه قریه لالچین را ، که از طرف شاهزاده خانم نیکو کار قاجار ( زبیده خانم دختر فتحعلیشاه ) وقف مصارف این مقبره شده است معرفی کردم ، البته فرهنگ و اوقاف در باره این موقوفه و توضیح مصارف فعلی آن پاسخی ندادند و معلوم نشد قسمتی از درآمد موقوفه نامبرده

که باید صرف تعمیر و نگاهداری همین آرامگاه بشود بجه مصرف میرسد؟ ولی از طرف شهرداری همدان از سال ۱۳۳۶ اقداماتی صورت گرفت و نخست راه آرامگاه باز و تسطیح شد، در سال ۱۳۳۷ یک معمار و کارشناس باستانشناسی از اصفهان بهمدان دعوت شد و صورت مصالح و هزینه تعمیر و تکمیل آرامگاه را تعیین کرد، گزارش کارشناس مزبور بتصویب انجمن شهر همدان رسید و انجمن شهر یکصد هزار ریال اعتباری را که آنوقت در اختیار داشت برای این کار اختصاص داد، آقای طباطبائی شهردار جدید همدان و آقای کریمی ناظر شهرداری نیز بنوبه خود در این منظور مقدس بذل جهد کردند و امسال خیابان آرامگاه اسفالت و تکمیل شده.

**آقای سرلشکر بقائی سناتور محترم همدان هم بتقاضای من در اینخصوص اقدامات قابل تقدیری نمود و رفته رفته این فکر که از سه سال پیش بخاطر من رسید و جداً بتعمیق آن کوشیدم، از قوه بفعل نزدیک شد و با اعتماد و محبتی که چند ماه پیش شهردار همدان بمن داد، امیدوارم در تابستان سال آینده که حسب المعمول بزیارت آرامگاه باباطاهر خواهم رفت مزار بابا را با وضعی دلپذیر و باشکوه ملاحظه کنم.**

اما مسرت بخش تر این است که اخیراً انجام این هدف صورت جدی تر بخود گرفته و انجمن آثار ملی همدان شروع بکار کرده و کمیسیون بنام « کمیسیون ساختمان آرامگاه باباطاهر » بریاست فرماندار همدان تشکیل شده و جلساتی ترتیب داده و جداً تصمیم گرفته اند که آرامگاه را بصورت هر چه آبرومندتر تکمیل کنند و حسابی هم بشماره ۲۶۳ در بانک کشاورزی همدان برای این کار گشوده و با انتشار آگهی های چند از مردم نیکوکار و صاحب همت برای شرکت در این کار خیر و خدمت ادبی دعوت کرده اند.

اکنون وقت آنست که انجمن آثار ملی، وزارت فرهنگ، و اوقاف و شهرداری

همدان هر کدام بسهم خود در این کار کمک مؤثر و سریع بعمل آورند ، و بیشتر و بیشتر از همه این مقامات ، ثروتمندان همدانی وظیفه دارند که برای آبرومندی و حفاظت افتخارات شهر خود و پیاس مقام شامخ ادبی و عرفاتی باباطاهر در این امر وجدانی پیشقدم شوند .

همدان سرمایه دازان بزرگ دارد که متأسفانه ذوق کارهای اجتماعی و احساسات نیکوکاری ندارند و بیشترشان در اروپا و آمریکا بخوشگذرانی مشغولند ، جمعی هم در طهران هستند و صاحب نفوذ و ثروت می باشند ولی اینها هم چندان علاقه بموطن واقعی خود ، یعنی شهر تاریخی همدان ، ندارند و کوچکترین اثر خیری از این همه رجال صاحب مقام و ثروتمند همدانی در این شهر دیده نمی شود !

طبقه دوم و سوم مردم همدان همشان از طبقه اول بیشتر است و از طبقه اول فقط عده معدودی احساسات خیرخواهانه و نوع دوستی دارند و گاهگاه قدم خیری در راه آبادی شهر و آسایش مردم همدان پر میدارند ، مؤسسين کمیسیون تعمیر آرامگاه باباطاهر از مرء شخصیت های مؤثر و علاقه بآبادی و آبرومندی شهر همدان هستند که اینک در این راه قدم گذاشته اند .

من لازم میدانم از اشخاصی که در این امر خیر پیشقدم شده اند قدردانی کنم و علاقمندی « آقای محمد فرهمند » فرماندار همدان را هم در این امر تحسین نمایم و امیدوارم که فکر و آرزوی دیرین من باهمت آقایان بزودی باحسن وجه صورت پذیر گردد ، تذکر این نکته را هم ضروری میدانم که در تعمیر و تکمیل و بخصوص در تزئینات آرامگاه باید مقتضای حال و روحانیت « باباطاهر » رعایت شود و برای نوشته سنگ قبر و کتیبه داخل بنا نیز بایستی بامشورت چند نفر از اهل عرفان و ادب که بازبان و فکر « بابا » آشنا هستند مطلب و شعر جالب از دویستی های خود « بابا » انتخاب شود و در این کارها نهایت دقت و ذوق مراعات گردد تا نقصی ایجاد

نگردد و این امر از هر حیث مناسب و مقتضی مقام بابا و در خورشهر زیبا و کهنسال همدان و پایتخت باشکوه پادشاهان «ماد» باشد .

موضوع دیگری که لازم است انجمن آثار ملی همدان بدان توجه فوری مبذول دارد ساختن قبر **عین القضاة** همدانی است ، من در این خصوص در کتاب «یادداشتهای سفر همدان» بتفصیل بحث کرده و باقای شهرداز همدان هم متذکر شده ام .

«عین القضاة» عارف و دانشمند و صاحبحال بزرگ اوائل قرن ششم ، کسی است که شخصیت علمی و ادبی بزرگی مثل **جامی** در کتاب «**نجات الانس**» در باره او چنین گفته است :

فضائل و کمالات صوری و معنوی وی از مصنفات او ظاهر است ، چه عربی ، و چه فارسی ، آنقدر کشف حقایق و شرح دقائق که وی کرده است کم کسی کرده و از وی خوارق عادات چون احیاء و امانت بظهور آمد :

«عین القضاة» سالها قاضی همدان بوده و بمقام «قاضی القضاة» رسیده و سپس بکتابها و رسالههای **شیخ احمد غزالی** مشغول شده و دوچار تغییر حالی گردیده و حیرتی عجیب باو دست داده و بسیر در ماوراء طبیعت و دقت در باطن معانی **قرآن** پرداخته و شروع بگفتن حقایقی کرده که بگوش مردم زمان از هر طبقه ثقیل و عجیب میآمده است .

در همین اوقات **شیخ احمد غزالی** از طوس بدیدار **عین القضاة** راه همدان در پیش گرفته و بیست روز مهمان او بوده و با او خلوت داشته است .

پس از رفتن «**شیخ احمد**» «**عین القضاة**» مقام قضاوت را ترك گفته و بنشر حقایق پرداخت ، ولی بدستور **قوام الدین درگزینی** وزیر همدان مدتی محبوس شد و سپس بیغداد تبعید گردید ، پس از یکسال بهمدان مراجعت کرد و گفتههای خود را

از سر گرفت، «قوام‌الدین در گزینی» بر او سختگیری کرد و مجلس با حضور علمای شرع ترتیب داد، «عین‌القضاة» که بمرتبه فناء فی الله رسیده بود و عظمت مقام محمدی (ص) و معجز کلام الهی او را شیدا و حیرت زده ساخته بود حرفهائی زد که درک مفهوم و معنای آن از عهده صاحبان عقول عادی خارج بود، لهذا بالحادث فتوی دادند و بقتلش امضا نهادند، او را کشتند و جسدش را بر در مسجدی که قبلاً جای عبادت و نماز او بود آویختند، بقول دیگر او را سر بریدند و بگفته دیگری بدارش کشیدند و پیکرش را در بوریائی پیچیده بانفت سوزانیدند، و خود این سر نوشت را در این رباعی برای خود پیش بینی کرده است.

### رباعی

ما مرگ و شهادت از خدا خواسته ایم

و انهم بسه چیز کم بها خواسته ایم

گر دست دهد هر آنچه ما خواسته ایم

ما آتش و نفت و بوریا خواسته ایم

پس از این واقعه پیکر عین‌القضاة در قبرستان کهنه همدان، که فعلاً هم موجود است، مدفون شد. (۵۲۵ هجری قمری).

در این گورستان گودالی است که اطراف آن قدری سنگ چین شده و به چال عین‌القضاة معروف میباشد، گرچه سنگ و نوشته‌ئی ندارد ولی شهرت این محل بنام عین‌القضاة در طی چندین قرن بی مأخذ نبوده و دفن جسد او در این قبرستان مورد اتفاق مورخان بوده و قطعیت آن محرز است.

عین‌القضاة که نام و آثارش سرلوحه تاریخ و اصلان حقیقت است و در عالم دانش و ادب و عرفان از افتخارات بزرگ ایران میباشد نیز فرزند همدان است و مأمورین مسئول و مردم همدان وظیفه دارند که برای احیاء نام و تجلیل مقام او کوشش کنند.

انجمن آثار ملی و شهرداری همدان فعلا باید محل قبر عین القضاة را لا اقل بصورت يك سكو بسازند كه مشخص باشد و يك خيابان هم بنام عین القضاة نامگذاری کنند و ساختمان مقبره او را هم جزو كارهای آتیه خود قرار دهند و پس از اتمام ساختمان آرامگاه باباطاهر برای بنای آرامگاه عین القضاة هم با نقشه مناسب و صحیحی اقدام نمایند.

و چون عین القضاة علاوه از مقام عالی ادب و عرفان و توحید، قاضی القضاة همدان بوده است وزارت دادگستری نیز باید در این امر مهم قدم پیش گذارد و آرامگاهی جالب بیاد بود یکی از قدیمی ترین و دانشمندترین و باتقوی ترین قضات ایران بسازد و در نشر کتابها و رساله های ارزنده و عالی و گرانبهای او همت گمارد، من توجه آقای وزیر دادگستری را هم باین نکته جلب میکنم.

والسلام علی من اتبع الهدی

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

من در وفا وعهد چنان کند نیستم نهانی

کز دامن تو دست بدارم به تیغ تیز

(سعدی)

آفتابا از در میخانه مگذر کاین حریفان

یابنوشندت که جامی یابیوسندت که یاری

(یغما)